

میزگرد نخست : طرح مشکلات اصلی دهه بخش از صنعت کشور

در ابتدا مهندس شهریار خاشع -رئیس شورای مرکزی کنفدراسیون صنعت ایران- در مورد مسائل و مشکلات صنعت در سال ۸۶ گفت : بخشی از این مشکلات به تعارض اقتصاد ما دنیای خارج باز می گردد ، مسائلی از قبیل محدود شدن بازارهای خارجی ، مشکل در صدور محصولات صنعتی ، دشوار بودن عقد قراردادهای خرید تکنولوژی و ماشین آلات ، سرمایه گذاری خارجی و اصولاً همکاری های خارجی و استفاده از منابع سرمایه خارجی بعضی از مشکلاتی بوده که تحت عنوان مشکلات صنعت با دنیای بیرون طبقه بندی شده است. بخش دیگری تحت عنوان مسائلی که در محیط صنعت می باشد، طبقه بندی شده است :

- ۱- کمبود امنیت اقتصادی برای سرمایه گذارهای بلند
- ۲- تضعیف حقوق مالکیت، ناسازگاری ارزشها و

- شرایط با ثروت آفرینی و انباشت سرمایه،
- ۳- حاکمیت روحیه تقدیر گرایی
- ۴- کمبود وحدت و انسجام در نظام صنعتی مملکت که تصمیمات در آن اخذ می شود
- ۵- وجود قوانین و مقررات ناسازگار و ناهماهنگ با فضای تولید
- ۶- نظام قیمت گذاری و ایجاد انحراف در این نظام که موجب کاهش انگیزه های تولید می شود
- ۷- جدی نگرفتن خصوصی سازی و رواج فرهنگ مصرفی
- ۸- بالا بودن هزینه نظام اداری و تحمیل این هزینه ها به تولید
- ۹- نبود ارتباط ارگانیک میان صنعت و نظام آموزش کشور
- ۱۰- وجود تبعیض میان بخش عمومی و بخش خصوصی
- ۱۱- دخالت های دولت در فعالیتهای تولیدی کارآفرینی

- ۱۲- تصمیم گیریها بر اساس ملاحظات سیاسی و کم توجهی به ملاحظات اقتصادی
- ۱۳- نبود استراتژی مشخص برای صادرات و نبود توازن میان صادرات و واردات
- ۱۴- ناکارایی و ناکارآمدی سیستم بانکی و کمبود زیرساختهای مناسب جهت جذب تکنولوژی و مشکلاتی که میان بخش خصوصی و بخش دولتی وجود دارد
- ۱۵- قوانین دست و پاگیر
- ۱۶- تمرکز تصمیم گیریها در تهران
- ۱۷- بی توجهی به نقش تشکلهای در فرایند تصمیم سازی
- ۱۸- عدم نیاز دولت به درآمد دولتها به دلیل وجود درآمد قابل توجه نفت و دریافت هزینه های سرمایه گذاری شرکتهای دولتی در زیرساختها از بخش تولید.
- بخشی هم تحت عنوان درون بنگاهی طبقه بندی می شوند:
- ۱- مانند کهنه بودن تکنولوژی ها
- ۲- قدیمی بودن ماشین آلات
- ۳- فقدان مدیریت علمی در واحدهای تولیدی
- ۴- کمبود متخصص و مشکلاتی در رابطه با تخصص نیروهای انسانی
- ۵- پائین بودن کیفیت تولیدات داخلی
- ۶- کمبود نوآوری و خلاقیت و اصولاً تحقیق و توسعه در نگاه های ما
- ۷- بالا بودن قیمت تمام شده
- ۸- بالا بودن نرخ سود بانکی
- ۹- وجود سازمان های موازی دولتی و دخالت در امر تولید
- ۱۰- واردات بی رویه و حمایت های موردی بی برنامه از تولید داخلی
- ۱۱- افزایش بی رویه حقوق و دستمزد
- ۱۲- وجود قوانین و مقرراتی که مانع تولید می شوند
- ۱۳- افزایش مستمر و همیشگی خدمات دولتی
- ۱۴- وفور قاچاق
- ۱۵- بی ثباتی قوانین و مقررات دولتی

خلیفت

قابلیت ها است که می آفریند



گزارشی از همایش علمی - تخصصی طرح مشکلات صنایع و ارائه راهکارهای رفع موانع تولید

۱۶- ناتوانی مدیریت در تعدیل نیروی انسانی با توجه به محدودیتهای قانون کار
 ۱۷- ناکارآمدی نظام تامین اجتماعی
 ۱۸- کمبود سرمایه در گردش
 ۱۹- مشکلات قانونی ناشی از قوانین
 ۲۰- مبهم بودن لایحه تجمیع عوارض
 ۲۱- جرائم ناشی از رای های صادره از کمیسیون های ماده ۱۰۰ شهرداری ها
 ۲۲- قبول ورشکستگی و در نتیجه ماندن بنگاه های ناکارآمد
 ۲۳- ناآشنایی نظام مالیاتی با استانداردهای حسابداری برای شرکتها و کمبود اطلاعات و آمار این موارد از مجموعه موضوعاتی بوده که در سال ۱۳۸۲ کنفدراسیون صنعت بعنوان یک جمع بندی به آن پرداخته و از مشکلاتی است که صنایع کشور با آن مواجه هستند.
 جمع بندی مشکلات صنعت از سال ۱۳۸۱ تا امروز به صورت مستمر ادامه پیدا کرده است، در سال

دارند .
 مشکلاتی تحت عنوان مشکلات کارآفرینی طبقه بندی شده؛ مانند اتکای اقتصاد ما به نفت و اوصولا بی اهمیت بودن کارآفرینی و ایجاد ارزش افزوده، ورود پرهزینه به بازار، مشکلاتی که کارآفرینان در تامین منابع مالی با آن مواجه هستند، مشکلاتی در رابطه با نبود سرمایه بازار و تکنولوژی، حاکمیت تفکر تجاری به جای تفکر صنعتی، ضعف مدیریتی و حاکمیتی که لازم است به صنعت خدمت نمایند مانند سیستم بانکی و بیمه، عملکرد ضعیف بازار سرمایه در ایران و رقابتی نبودن بازار کار.
 در صورت دقت، متوجه خواهید شد عملا بین سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ موضوعات عدیده ای هنوز باقی مانده است هر چند اقداماتی هم صورت پذیرفته است. یکی اتفاقاتی که ظرف سالهای گذشته به جز تدوین قانون نوسازی رخ داده، تصویب قانون رفع برخی از موانع تولید می باشد که در حال حاضر در شورای نگهبان قرار دارد. موضوعات و رؤس

واقعیت این است که تولید ما انعطاف پذیر نیست. قادر به انباشت سرمایه نبوده، مقیاس تولید ما مناسب نیست و نظام اقتصادی ما کارآمد نمی باشد

این قانون عبارتند از:

- ۱- کاهش عوارض از سه در صد به یک درصد
- ۲- اختصاص ۵۰ درصد از عوارضی که از محصولات آلوده کننده محیط زیست گرفته می شود
- ۳- پروژه رفع آلودگی در همان کارخانه ها
- ۴- جبران بخشی از هزینه های صادراتی کالاها و خدمات فنی و مهندسی که به افزایش صادرات کمک می نماید
- ۵- منطقی شدن تفاوت نرخ سود و محدود کردن تفاوت متوسط سود و کارمزد تسهیلات با نرخ سود پرداختی ۳ درصد
- ۶- اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد
- ۷- متناسب کردن هزینه برق واحدهای صنعتی تا قابل مقایسه با هزینه برق خانگی باشد
- ۸- اولویت دادن به تامین گاز واحدهای صنعتی
- ۹- موظف کردن سازمان حفاظت از محیط زیست که ظرف یک ماه یا به استعلام هایی که در رابطه با پروانه بهره برداری است، پاسخ دهند
- ۱۰- اصلاح بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور مانند موظف کردن گمرک به ترخیص کالاها با گرفتن ضمانت نامه با اشکال مختلف
- ۱۱- افزودن دو تبصره به قراردادهای موقت کار به ماده ۷ قانون کار که به تسهیل روابط کارگر و کارفرما کمک کند
- ۱۲- اصلاح قوانین معادن
- ۱۳- تامین مالی طرح ها و فعالیتهای صنعتی با استفاده از صندوق ذخیره ارزی در جهت حداکثر کردن استفاده از توان داخلی

۱۴- حداکثر استفاده از تخصص فنی و تولیدی صنعتی و اجرایی کشور

۱۵- امکان گشایش اعتبار ارزی یا ریالی به نفع سازنده داخلی و پرداخت صورتحساب وضعیت پیمانکاران ظرف مدت یک ماه.

نقش برجسته صنعت غذا

مهندس ابوالحسن خلیلی - دبیر کنفدراسیون انجمن های صنایع غذایی - اظهار داشت: ۷ هزار و ۹۳۶ واحد صنعتی در صنایع غذایی کشور به فعالیت می پردازند که سهم غذا در کل صنعت حدود ۱۱/۸ درصد می باشد. نزدیک ۲۷ میلیارد ریال سرمایه گذاری در صنعت غذا وجود دارد. طبق برآورد اشتغال ۲۴۵ هزار نفر در صنعت غذا می باشد و ۱۵ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص می دهد! البته آمار و ارقام مربوط با سال ۱۳۸۴ است که توسط وزارت صنایع ارائه شده است)

بر اساس این آمار، ارزش افزوده صنایع غذایی در کل صنعت ۹/۳ بیان شده است و ۱۱ برابر ارزش افزوده صنایع تولید را دارد، ۲/۵ برابر مجموع ارزش افزوده محصولات لاستیکی و پلاستیکی است. صادرات این صنعت در سال ۱۳۸۴، طبق آمار گمرک ۳۵۹ میلیون دلار بوده است. ۳ درصد صادرات غیر نفتی را تشکیل می دهد. در همان سال میانگین قیمت صادرات محصولات غذایی حدود ۶۳۰ دلار در هر تن بوده که دوبرابر میانگین قیمت صادراتی کالاهای صنعتی ذکر شده است، اما در عین حال نقش صنعت غذا در همه جوامع از بابت اینکه تامین کننده کارلی فعالیت روزانه انسان است، نقش برجسته ای دارد. از مناظر مختلفی به صنعت غذا پرداخته می شود اما اگر بخواهیم از دید سلامت به این موضوع نگاه کنیم در جوامع صنعتی ۳۰-۱۵ درصد مردم دچار مسمومیتهای غذایی می شوند.
 چالشهای عمده صنایع غذایی کشور عبارتند از: رژیم تجاری ناپایدار در کشور و نوسانات گسترده قیمت محصولات کشاورزی بعنوان نهاده های اصلی این صنایع. در کشور ما عمدتا در خصوص تامین مواد اولیه که به کشاورزی باز می گردد شاهد این هستیم که پایداری در تصمیم گیریها وجود ندارد. بحث کشاورزی و روغن نباتی، داروهای روغنی و... به یک زیر بخش دیگری به نام کشاورزی متصل هستند.

یکی از مشکلات این است که شبکه های توزیع سراسری در کشور هنوز فعال نشده اند. اگر اینها در کشور فعال شوند محصولات غذایی خوبی که در کشور تولید می شوند به آسانی عرضه شده و حتی مقادیر قابل توجهی هم به خارج کشور صادر می گردد.

باید به دنبال پر کردن ظرفیتهای خود باشیم

مهندس همایون مددی - از انجمن ماشین سازی و ساخت تجهیزات - گفت: ۳۵۰ عضو از هر موقعیتی برای ابراز ناخرسندی خود بابت کم

لطفی هایی که نسبت به ما می شود استفاده می کنیم. برای مثال نداشتن فرصت رقابت پذیری با رقبای خارجی به دلیل حمایتهای گوناگونی که از جانب دولتهای خود دریافت می کردند ما را برآن داشت که در هنگام برگزاری نمایشگاه نفت، گاز و پتروشیمی از فرصت استفاده کنیم و با قرار دادن تابلویی برای اطلاع رسانی با محتوای میزان ظرفیت سالانه و یا میزان ظرفیت در کار هر یک از واحدها نشان دهیم که هیچ یک از واحدها با ظرفیت کامل فعال نیستند.

با توجه به اینکه تاثیر قانون مصوب مجلس که می گوید ۵۱ درصد نیاز پروژه ها از محل تولیدات داخلی باید تامین شود و باز هم با یک حساب سرانگشتی و با تقسیم بندی هزینه های هر پروژه به عواملی از جمله طرح های مهندسی به میزان ۲۰-۱۵ در صد، هزینه تامین تجهیزات حدود ۴۵ درصد، هزینه و ساخت و احداث هم به میزان حدود ۳۵ درصد، متوجه می شویم که بر اساس ضرایب فوق چیزی حدود ۷ میلیارد در سال سهم صنایع تجهیزات خواهد شد که اصولا ما چنین ظرفیت سالیانه را فعلا نداریم و شاید حداکثر توان تولیدی ما با ۲/۵ تا ۳/۵ میلیارد در سال برسد متأسفانه این در شرایطی است که ما با این پتانسیل کاری موجود باید به دنبال پر کردن ظرفیتهای خود باشیم که عموما هم موفق نمی شویم. هیات مدیره و اعضای انجمن ما پیوسته سعی کردند که با برگزاری نشستهای متعدد با مسولین، مدیران و مجریان پروژه ها از قانون حداکثر توان داخلی در اجرای پروژه ها دفاع نموده و فرصتهای طلایی موجود که شاید هرگز در طول تاریخ تکرار نشود، استفاده کرده و حتی تا این لحظه جز شعار و تایید زبانی چیزی ندیده ایم.

بدنبال تلاش بی وقفه خود برای بهبود وضعیت سازندگان تجهیزات صنعت نفت سال گذشته در نشستی در حضور وزیر نفت مسائلی را مطرح کردیم و ایشان هم قول دادند برای فعال کردن واحدهای سازنده تجهیزات صرفا توسط واحدهایی که دارای کارخانه و خط تولید باشند، صورت خواهد گرفت که امیدوار بودیم بدین وسیله از اخراج نیروهای متخصص خود جلوگیری کرده و هم به افزایش نیرو مبادرت نمائیم اما متأسفانه تا این لحظه عکس العملی در این زمینه مشاهده نشد و بدلیل نامناسب بودن شکل ساختاری قراردادهای اجرایی پروژه ها به هدف خود نرسیدیم. اگر انتقادی صورت می گیرد راهکاری هم برای آن داریم در این زمینه جزوه ای مبتنی بر راهکارهای انجمن سازندگان صنعت نفت تهیه شده که برای هر کدام از این موارد راه حلی ارائه کرده است.

علیرغم وجود موارد انتقادی که قطعا با نیت خیر و برای حذف گلوگاه های این صنعت مطرح گردید لازم است اعلام نمایم که به هیچ وجه منکر حرکات رو به جلو از جانب همکاران نبوده ایم، لازم است اعتراف کنیم در سالهای گذشته علیرغم وجود این همه ناسامانی و عدم حمایتی ضروری با دست خالی باعث غرور و سربلندی شده ایم. مجموعه ساخت و ساز تجهیزات نفت افزایش یافته

و امیدواریم هر چه سریعتر به میزان ۵۱ درصد سهم قانونی خود برسیم.

در اختیار گرفتن بازارها و رای مزیت‌های نسبی

مهندسی پرویز شریفی - کانون طراحی، مهندسی و مونتاژ- اظهار داشت: دلیل جامعی که رشته های عضو این کانون (۲۱ رشته صنعتی) دارند به بعد دیگری از فعالیتهای مهندسی اشاره خواهیم داشت. وقتی از مهندسی صحبت می کنیم یعنی اعتقاد به یک هندسه و توالی داریم که روند منطقی را در هر پدیده ای دنبال خواهد کرد. در ساختمان سازی، معماری، از مرحله غارنشینی به بعد جایی که صحبت از مکانی برای اسکان انسانها می شود باید این سیستم ها با یکدیگر توالی منطقی داشته باشند. در یک شهر نمی توان گفت خانه های مختلف هر کدام از برق خودشان استفاده کنند یا نیازی به سیستم آب و فاضلاب نیست و هر کس می تواند چاه آبی در منزل خود حفر نماید.

در دنیا هم شاهدیم همه چیز به سمت یکپارچه شدن و هماهنگی با یکدیگر پیش می رود. زمانی که صحبت از استاندارد ایزو می شود، در واقع دیگر مالک آسمان بالای سر و خاک زیر پا و آب دریاها نیستیم. دنیا به سمت هماهنگی پیش می رود. سوال این است که چگونه می توانیم بازارها را و رای مزیت‌های نسبی که داریم، در اختیار بگیریم.

علوم مهندسی در دنیا به علوم دیگر مانند حقوق، اقتصاد، سیاست، پزشکی و حتی جغرافی پیوسته است لذا عنوان گذاشتن اقتصاد مهندسی یا مهندسی اقتصاد نشان از نظم و ترتیبی دارد که در علوم انسانی و فکری هم می توانیم به این نتیجه برسیم که با فرمول های مهندسی نتایج بهتری حاصل می شود. در مورد مسائل و مشکلات کلاسیک می توان فهرستی ارائه نمود که عبارتند از:

- ۱- عدم اطلاع رسانی صحیح و به موقع از برگزاری مناقصات در تمام رشته های صنعتی
- ۲- پیش بینی نکردن یا کم رنگ بودن نقش خدمات مهندسی در فرایند اعطای تسهیلات به پروژه های صنعتی
- ۳- ضعف بازاریابی و عدم عرضه مناسب و ضعف خدمات مهندسی
- ۴- عدم شناخت سیستم بانکی از خدمات مهندسی و ضعف خدمات به این گونه فعالیتها
- ۵- نبود بیمه قراردادهای مهندسی به ویژه از بعد تضمین دریافت حق الزحمه توسط ارائه دهنده این فعالیت
- ۶- فقدان مراکز حقوقی و داوری تخصصی در اختلافات شرکتهای مهندسی با کارفرمایان دولتی و غیر دولتی
- ۷- عدم آشنایی با بازار عرضه و تقاضای خدمات فنی و مهندسی بین المللی و محدود شدن به مشکلات روزمره داخلی

چالشهای صنعت ریخته گری

مهندس عبدالحمید قدیمی - انجمن صنایع ریخته گری و فلزات اساسی - ابراز داشت: ریخته گری قدمتی حدود ۷۰۰ هزار سال دارد و جز صنایع مادر

محسوب می شود به طوری که در سطوح گسترده صنعت و تکنولوژی مورد استفاده قرار می گیرد. برخی از صنایع عمده که مصرف کننده قطعات ریخته گری هستند صنایع خودرو صنایع استخراجی و معدنی، تولید فلزات اساسی، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، آب و برق، شهرسازی، حمل و نقل ریلی و دریایی، صنایع ماشین سازی، ساخت ماشین آلات صنعتی، صنایع خانگی، صنایع هوایی، صنایع نظامی و ... می باشد. تولید جهانی ریخته گری بر اساس آخرین آماري که متعلق به سال ۲۰۰۵ است، ۸۵۰ میلیون و ۷۰ هزار تن بوده که در طی ۳ سال قبل ۱۸ درصد رشد داشته است.

بر اساس برآوردهای انجام شده در سال ۱۳۸۵، حدود ۶۲۰ هزار تن تولید ریخته گری داریم که در دو دهه پیش از ۳ برابر افزایش دارد. در میان ۳۶ کشور دنیا جایگاه نهم را داریم که تقریباً ۰/۷ تولید دنیا سهم ماست.

از دیدگاه ارزشی تقریباً برآوردها نشان می دهد که کل ارزش تولیدات ریخته گری در حدود یک میلیارد دلار برآورد می شود که با توجه به تولید ناخالص ملی (۲۰۰ میلیارد دلار) سهم ریخته گری در GDP/۵ درصد است.

مشکلات و چالش های صنعت ریخته گری عبارتند از:

- ۱- افزایش قیمت‌های مواد اولیه
- ۲- کمبود مواد اولیه به خصوص گدازه های فلزی بدلیل صادرات بی رویه در چند سال اخیر
- ۳- گران شدن همزمان و سریع مواد اولیه همسو با قیمت‌های جهانی
- ۴- مشکلات مالی
- ۵- کندی گردش نقدینگی
- ۶- وجود بروکراسی در قراردادهای دولتی
- ۷- نبود یک نظام بانکی روزآمد در خصوص نظام جامع سیستم گشایش اعتبار داخلی در قراردادها
- ۸- تحمیل هزینه هایی که به بنگاه ها بزرگ داخلی از طریق دخالت دولت و تصمیمات دولتی اعمال می شود
- ۹- عدم اعمال حقوق ورودی مواد اولیه و قطعات
- ۱۰- شناور نبودن نرخ ارز و تورم دو رقمی مستمر
- ۱۱- عدم امکان سرمایه گذاری مناسب در حوزه تحقیق و توسعه و حتی خرید دانش فنی بدلیل فقدان قوانین موثر جامعه در حوزه حفاظت از حقوق مدنی
- ۱۲- عدم اختصاص منابع لازم برای تهیه آمارهای تخصصی تر توسط نهادهای غیر دولتی

میزگرد دوم - تاثیر طرح رفع موانع تولید و ارائه راهکار برای رونق تولید

ارزش افزوده بالای صنایع نساجی کشور در دومین میزگرد، ابتدا مهندس جمشید بصیری - دبیر انجمن صنایع نساجی اظهار داشت: سال ۱۳۴۰ انجمن صنایع نساجی راه اندازی شده است

و از آن تاریخ تا کنون سعی کرده ایم به برنامه ریزی در صنعت نساجی پرداخته شود.

در کشوری زندگی می کنیم که توان تولید ۵۵۰ هزار تن پنبه دارد و بالاترین تولید در سال ۱۳۳۲ در زمان دکتر مصدق بود که ۲۵۴ هزار تن بود در حالی که امروز تولیدمان به ۷۰ هزار تن کاهش یافته است. از سال ۱۳۴۶ وارد این صنعت شدم و عملاً تا امروز ۱۵ واحد نساجی در کشور راه اندازی کرده ام و تمام تلاشم در این است که بتوانم مانند روزهای اول با موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی همکاری داشته باشیم. امروز ۹ هزار و ۶۱۵ واحد نساجی در کشور وجود دارد اما مساله فعالیت اینها فقط به این نیست به فعالیت می پردازند بلکه این تعداد واحدهایی هستند که از وزارت صنایع پروانه بهره برداری دارند در حالی که بسیاری از کارخانجات وجود دارند که اصلاً آنها را نمی شناسیم و از وجودشان خبری نداریم اما مانند غده سرطانی در کشور فعال هستند و از آب، برق،

مدت را از بین می برد. کمبود امنیت سرمایه گذاری، نبود ارتباط ارگانیک میان صنعت و نظام آموزشی کشور، بالا بودن نرخ تمام شده خدمات، قاچاق، ناچیز بودن میزان سرمایه گذاری خارجی در جذب صنایع، بالا بودن هزینه انرژی مصرفی در واحدهای صنعتی (به ویژه برق)، آماده نشدن زیرساخت‌های لازم در شهرک‌های صنعتی، عدم اهتمام کافی دولت در اعطای امتیازات و امکانات میان بخش دولت و بخش خصوصی از مشکلاتی است که به هر حال صنایع لوازم خانگی هم از آنها بی نصیب نمی باشد.

مشکلات درونی صنعت لوازم خانگی عبارتند از:

- ۱- کمبود مدیریت علمی در واحدهای تولیدی
- ۲- کمبود نوآوری و خلاقیت و تکنولوژی روز
- ۳- کهنه بودن ماشین آلات و تجهیزات
- ۴- کمبود سرمایه در گردش
- ۵- درصد ضایعات بالا
- ۶- تولید کم و محدود

در دنیا هم شاهدیم همه چیز به سمت یکپارچه شدن و هماهنگی با یکدیگر پیش می رود. زمانی که صحبت از استاندارد ایزو می شود، در واقع دیگر مالک آسمان بالای سر و خاک زیر پا و آب دریاها نیستیم. دنیا به سمت هماهنگی پیش می رود. سوال این است که چگونه می توانیم بازارها را و رای مزیت‌های نسبی که داریم، در اختیار بگیریم

- ۷- کمبود نیروی انسانی به صورت پویا، پایدار و هدفمند در جهت تکامل و تحول
 - ۸- حفظ و ارتقای استانداردهای کیفی
- مقوله بازار بعنوان اصلی ترین تعیین کننده در حوزه اقتصاد و عرضه کالا امروز مطرح است پس باید در قلمرو بازار یک بازاریابی نوین و مدیریتی نوین به کار ببریم. یکی از مشکلات صنایع امروز به ویژه صنعت لوازم خانگی، کمبود نقدینگی در حوزه تولید عدم امکانات مالی برای متقاضیان است. باید در ارتقای سطح دانش و مهارت نیروی انسانی تلاش کنیم. تحقیق و توسعه را بعنوان عاملی برای سرمایه گذاری تلقی کنیم.

تثبیت قیمت خودرو

مهندس نجفی منش - به نمایندگی از صنایع خودرو - در این جلسه اظهار داشت: ۴۶/۱۲ صنعت خودرو در ۱۰ سال گذشته به طور متوسط سالیانه ۲۵ درصد رشد داشته که این رقم سه برابر رشد متوسط و ۶ برابر رشد متوسط اقتصادی بوده است. در دنیا مقام شانزدهم را از نظر تولید خودرو داریم و ترکیه و بلژیک رتبه های بعد از ما را به خود اختصاص می دهند. ۸۳ درصد تولید خودرو سواری، ۱/۷ درصد کامیون و بقیه اتوبوس، مینی بوس و ... می باشند.

در حال حاضر ۷ میلیون خودرو در کشور تردد می کنند که با توجه به جمعیت ۷۰ میلیون نفری تقریباً به ازای هر ۱۰ نفر یک خودرو داریم. در آمریکا به ازای هر ۱/۲ نفر، در اروپا، ژاپن، ایتالیا و آلمان به

تلفن، مواد اولیه و ... استفاده می کنند بدون اینکه مالیاتی به دولت بپردازند.

صنعت نساجی برخلاف بسیاری از صنایع ارزش افزوده بالایی دارد، مواد اولیه، توان تولید، مهندس و متخصص، جامعه متخصصین نساجی کشور و ... را در اختیار داریم اما باز با مشکلاتی مواجه هستیم.

هیچ راه حلی برای صنایع نساجی وجود ندارد جز اینکه از توان و تخصص مهندسین و متخصصین این صنعت استفاده کنیم.

بدنبال طرح مساله باشیم نه مشکل

مهندس حبیب الله انصاری - دبیر شورای لوازم خانگی و صنایع گاز سوز - گفت: صنعت لوازم خانگی سابقه ای ۰۶ ساله دارد و صنعتی است که با زندگی مردم ارتباط مستقیم دارد و غیر قابل اجتناب می باشد. هر زندگی به گونه ای از لوازم خانگی استفاده می کند و این صنعت از تنوع زیادی برخوردار است.

بنده اعتقادی ندارم که کلمه «مشکل» را بکار ببریم زیرا این کلمه از نظر روانی مانعی ایجاد می کند. معتقدم بهتر است طرح مساله کنیم. امیدوارم مجموعه تصمیم سازیها در زمینه صنعت و بویژه در صنعت لوازم خانگی بدنبال شناسایی و حل آنها باشیم.

نرخ بالای بهره بانکی قانون کار، بیمه های تامین اجتماعی و تثبیت نرخ ارز از مشکلات این صنعت می باشند که این موارد امکان برنامه ریزی بلند

مهندس محسن خلیلی عراقی - رئیس کنفدراسیون صنعت ایران - در پایان میزگرد ابراز داشت: در سال ۱۹۴۸ که هند از نظام مارکسیسم و لنینیسم رهایی پیدا کرد به سمت اقتصاد آزاد حرکت کرد و در سال ۱۹۹۰ وارد اقتصاد آزاد شد یعنی چپ زدایی و کمونیسم زدایی نمود از آن زمان توفیق هند آغاز شد، به طوریکه تا سال ۱۹۹۴ و اوایل ۱۹۹۵، ۲۵ درصد در کل رشد GDP هند بوده است. هند در این سالها موفق می شود ۶ میلیون شغل ایجاد کند که ۴ میلیون آن متعلق به صنعت بود. این کشور به تدریج صنایع کوچک خود را توسعه می دهد و ذخایر ارزی گسترش می یابد. زمانی که هند موفق شد خود را از شر ایسم رها سازد توانست ادعا نماید که پیشرفته ترین دموکراسی دنیا را در اختیار دارد. پس اگر ما هم یک سلسله اهداف مشترک را در تمام تشکلهای در نظر بگیریم و با هم همدستان شویم تشکل های اقتصادی و صنعتی ایران متحول خواهند شد و آن وقت است که دولت حرفهای ما را می شنود و در تصمیم سازیها خواستار مشارکت ما می شود در تمام دنیا تشکلهای جامعه مدنی را محقق کرده اند زیرا تشکل ها واسطه میان مردم و دولت هستند.

صنعت کشور می باشد. متأسفانه وقتی در مورد دولت صحبت می کنیم عیوب خود را می پوشانیم و تمام گرفتاری هایمان را ناشی از عملکرد دولت می دانیم، دولتمردان هم زمانی که دور هم جمع می شوند فکر می کنند افرادی عالم و دانا به امور هستند در صورتیکه چنین نیست. حکم درج شده به روی کاغذ عارضی است و زمانی وجود دارد و زمان دیگر ارزشی ندارد، لذا آنهایی در کارشان موفق می شوند که قابلیت داشته باشند. این کاغذها اگر چه قدرت موقتی به صاحب خود می بخشد اما قابلیت را انتقال نمی دهد. قابلیت ناشی از قدرتهای درونی افراد است پس باید بخش خصوصی که دارای قابلیت است را شکوفا نمود. باید توانمند تر از همیشه حرکت کنیم زیرا قابلیتهاست که قدرت می آفریند. بخش خصوصی باید متوجه شود دایره ای در مقابل با دایره های دیگر است پس نباید به سایر دایره ها تنه بزند و در درون دایرهها تشکلهای آن هم با تشکل های سایر بخشها برخورد نکنند.

تحقق جوامع مدنی توسط تشکل ها

گذاشتن به خواسته های طرف مقابل داریم یا خیر؟ یک گرفتاری دیگر هم که بارها و بارها به آن اشاره کرده ایم این است رفتار جمعی ما با رفتار فردی ما مغایرت دارد، وقتی در یک جمع بزرگ هستیم در مورد قضایا به نحوی نگاه می کنیم و در مورد آن صحبت می کنیم اما وقتی جمع کوچکتر دو یا سه نفره هستیم نگاه و صحبتیمان تغییر می یابد. اگر این تناقض را رفع کنیم خود به خود مسائل درونی صنعت هم مرتفع خواهد شد.

غلبه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی در گروه اتحاد، مشارکت، همسویی تشکل های بخش خصوصی است در واقع اتحاد به معنای داشتن نگرش و تفکر متحد و یکپارچه است.

نکته قابل اشاره دیگر این است که دولت ضدیتی با صنعت ندارد بلکه فکر می کند اقدامات انجام شده و تصمیمات اتخاذ شده به صلاح و مصلحت صنعت کشور می باشد

صحیح مساله است، انرژی که ما مصرف می کنیم به مراتب بیشتر از انرژی است که برای شناخت مسائل صرف می شود، بنابراین این باید مسائل صنعت را به درستی بشناسیم.

در ذهن خود یک دایره بزرگ را ترسیم کنید که چند دایره کوچک را در خود جای داده است، دایره های کوچک مرتب به یکدیگر تنه می زنند و جابجا می شوند هر کدام از این دایره ها متعلق به صنعت، اقتصاد، تجارت و ... می باشد که برای بقا نیازمند حرکت و جنبش هستند. هر دایره ای تصور می کند محور است و تلاش می نماید در تلاطم دایره ها خود را به مرکز برساند. همانطور که اشاره کردم یکی از این دایره ها متعلق به صنعت است، در این صنعت تشکلهای متعددی وجود دارد که خودشان تعدادی دایره را تشکیل می دهند، سوال این است که چه کسی باید روابط میان این دایره ها را تعریف نماید؟ آیا حاضریم مسائل درونی سازمانها را بعنوان تولیدکننده و صنعتگر مورد مشاهده قرار دهیم؟ باید به دایره مقابل، عیوب خود را بازگو کنیم و با هم به تعامل بپردازیم. انتظارات واقعی دایره ها از هم چیست؟ در تئوری و شکل ظاهر به این سمت حرکت کرده ایم اما آیا در درون خود (به معنای واقعی) اعتقاد به خشنودی مشتریان داریم؟ اعتقادی به احترام